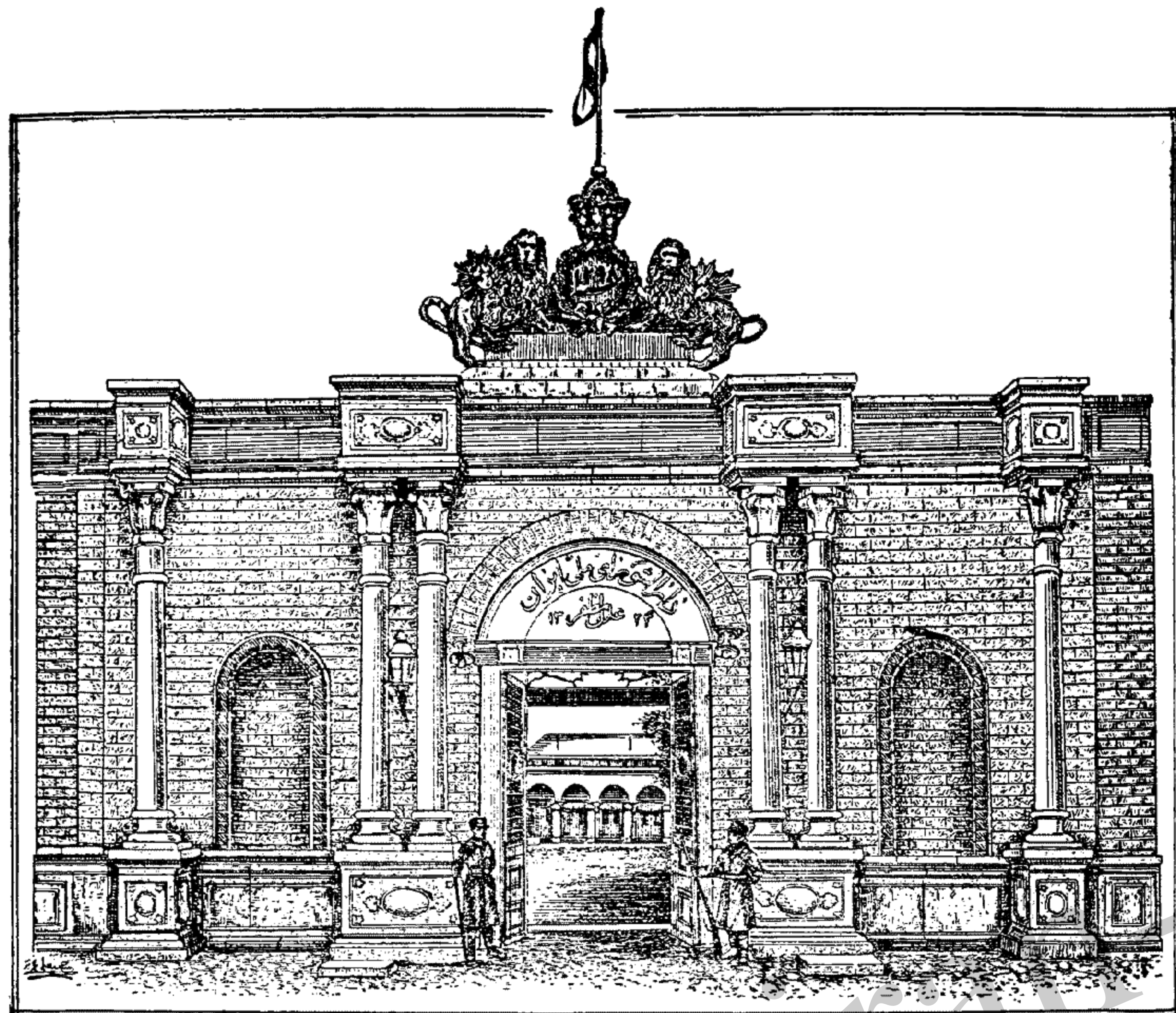


دوره ششم تقویمیه

<p>جلسه ۱۳۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۹۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۳ امرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۶ محرم الحرام ۰۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



عمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان : امام جمعه شیراز - آقا سید ابراهیم ضیاء - میرزا حسینخان وزیر	۱۹۸۲	۱۹۸۳
۲	قرائت پیشنهادات راجع به ریاست کل مالیه و مذاکره در اطراف آنها	۱۹۸۳	۱۹۹۸

مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه سوم مردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۶ محرم الحرام ۱۳۴۶

جلسه ۱۳۳

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر بریاست
آقای بیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس یکشنبه اول مرداد را آقای
بني سليمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : حاج علی اکبر امین - اعتبار - اسفندیاری
حیدری مکرری - میرزا محمد تقی طباطبائی - احتشامزاده
طباطبائی دیبا - لبقوانی - فرشی - عدل - دکتر لقمان - مفتی

زعیم - سلطان ابراهیم خان افخمی .

غائبین ن اجازة جلسه قبل

آقایان : محمدولی خان اسدی - علیخان اعظمی - نظام مافی - حشمتی - میرزا محمد تقی بهار - حاج حسن آقا ملک - جهانشاهی - تقی زاده .

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : جشیدی مازندرانی - ملک مدنی - شریعت زاده نوبخت - میرزا حسن خان ونوق - محمود رضا .

دیر آمدگان ن اجازة جلسه قبل

آقایان : امیر حسین خان ایلخان - حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - محمد تقی خان اسعد - ثقة الاسلامی .

رئیس - صورت مجلس ابرادی دارد یا نه ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده است بمضمون ذیل قرائت میشود و رأی میگیریم

(خبر مرخصی راجع به امام جمعه شیراز بشرح ذیل خوانده شد)

امام جمعه شیراز تقاضای سه ماه مرخصی از یازدهم شهریور نمودند کمیسیون مرخصی مزبور را از روز حرکت تصویب نمودند اینک خبر آنرا تقدیم مجلس میدارد .

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر راجع به مرخصی آقای آقا سید ابراهیم ضیاء

(بمضمون ذیل خوانده شد)

آقای آقا سید ابراهیم ضیاء تقاضای پنج ماه مرخصی نمودند کمیسیون برای دادن اجازه خود داری نمود ناعلت واقعی این تقاضا معلوم شود . بانحقیقات کامل کمیسیون

و نظر باینکه آقای ضیاء همیشه از اشخاص وظیفه شناس بوده و هیچوقت میل ندارند غفلت در انجام وظیفه نمایند برای اینکه زحمات ایشان که در راه تأسیس مدرسه و کارخانه های متعلقه به آن عقیم نماند و این مؤسسه عام المنفعه را تکمیل نمایند استثناء کمیسیون سه ماه از پنج ماه را از روز حرکت تصویب و راپورت آن را تقدیم میباید

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آخر لایحه اطلاع نداشتم . بنده دیدم چندی قبل ایشان تشریف برده بودند و دومرتبه تشریف آوردند ولی در آخر لایحه دیدم مرخصی ایشان برای یادگرفتن صنعت (خنده نمایندگان) و تأسیس مدرسه صنعتی و اینها است . بنده این مسئله را خوب میدانم و عقیده دارم سایر آقایان و کلاهم که هر کدام مرخصی میگیرند بروند بک کار عام المنفعه یاد بگیرند و این قبیل مرخصی ها را بجز مملکت میدانم و امیدوارم ایشانهم که تشریف بردند مدرسه را بیک طریقی تأسیس کنند که واقعاً ما مشغوف شویم .

رئیس - رأی میگیریم بر مرخصی آقای ضیاء آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر مرخصی آقای وزیر

(بترتیب ذیل خوانده شد)

آقای وزیر نماینده محترم بواسطه تصفیه امورات محلی موکلین خود تقاضای دو ماه مرخصی از روز حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد و ضمناً نماینده محترم تذکر میدهد که پس از تصویب در ظرف چهار ماه حق استفاده از دو ماه مرخصی خواهند داشت

رئیس - رأی میگیریم بر مرخصی دو ماهه آقای وزیر آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر راجع بر مرخصی آقای میرزا رضا خان افشار

(اینطور خوانده شد)

آقای آقا میرزا رضا خان افشار از تاریخ تقاضای مدت تعطیل برای سی و پنج روز از یازدهم شهریور تا ۱۵ مهر تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون تصویب و راپورت آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده يك عرضی راجع به کلیه مرخصی ها دارم و آن این است که بنده و همه آقایان میخواهیم يك استفاده ماهی سیصد تومان که قانونی هم شده از مجلس بکنیم وقتی هم که دو ماه سه ماه میخواهیم بی کار های شخصی برویم باز هم حقوق میگیریم خوب است يك قانونی از مجلس بگذرد که وقتی میخواهند به مرخصی بروند حقوق نگیرند .

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - بنده تصور میکنم اگر آقای فیروز آبادی در موارد اولیه این اعتراض را مفرمودند بجزا تر بود تا راجع به آقای افشار . ایشان از ابتدای این دوره تا کنون حتی یکساعت هم اجازه نخواسته اند

فیروز آبادی - وظیفه شان است .

امیر حسینخان - پس لابد دیگران هم همین وظیفه را دارند . در هر صورت ذکر هم شده است که کار خیلی لازمی دارند خوب است آقای فیروز آبادی همانطور که بدیگران رأی دادند به این خبر هم رأی بدهند .

رئیس - رأی گرفته میشود . آقایانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده واحده راجع به رئیس

کل مالیه مطرح است . آقای فیروز آبادی

خطیبی - در جلسه گذشته گفته شد مذاکرات کافی

است بنا بود رأی گرفته شود .

رئیس - (خطاب به آقای فیروز آبادی)

نامل کنید . گفته شده است مذاکرات کافی است باید رأی گرفته شود ، آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است رأی گرفته می شود به ماده واحده .

مدرس - آقا پیشنهادی تقدیم کرده ام .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود . پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو .

(بمضمون ذیل خوانده شد)

اصلاح ماده واحده را بنده بشرح ذیل پیشنهاد میکنم : مجلس شورای ملی بدولت اجازه بدهد که مستر مکاسکی امریکائی خزانه دار کل فعلی ایران را موقتاً به مدت چهل و نه روز مطابق مواد چهارده گانه که دولت اخیراً برای دکتر میلپو تهیه کرده اند بکفالت ریاست کل مالیه برقرار نمایند و ضمناً دولت مکلف است در ظرف مدت مذکوره فوق برای استخدام بکنفر امریکائی متخصص و لایق بجهت ریاست کل مالیه اقدام و اهتمامات شده کنترات او را بمجلس شورای ملی تقدیم دارد .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - در جلسه گذشته که بنده اینجا عرضی کردم متأسف هستم که کاغذ دکتر میلپو را نخوانده بودم وقتی در روز نامه خواندم دیدم او همه قسم تسلیم و حاضر بوده است و علت اینکه باوجود حاضر بودن ایشان دولت مساعدت نکرده است البته خود دولت توضیح خواهد داد . زیرا خود او آنجا میگوید برخلاف فرمایشی که آقای یاسائی اظهار کردند که او میخواهد کابینتولاسیون در اینجا برقرار کند او میگوید من حاضر هستم برای حکمیت ایران . و او حاضر است

در مورد اختلاف قضیه در مجلس یا جای دیگر حل شود معذک اولتباتوم به او داده میشود و چون نمیتوانسته است خودش را حاضر کند برای اولتباتوم در آخر اظهار عجز کرده است از قبول اولتباتوم. حالا هم اینجا باید نظر دولت را دید که آیا حاضر است با او وارد مذاکره شود و راه مسالمتی با او پیش بگیرد یا نه؟ با کاغذی که بنده دیده ام او نوشته است اگر دولت خودش را حاضر کند برای مذاکره و موافقت با او گمان میکنم بهتر باشد. بنده عقیده دارم همیشه برای پیشرفت امور سرکارها اگر دولت است یک دولت قائمی باشد با مدت طولانی که بتواند نظریات خودش را انجام دهد. اگر مستخدم می آورند یک مدتی به او باید مهلت بدهند که او بتواند خدمات خودش را انجام دهد. البته اوایی که دکتر میلسپو آمده بود چون یک تجربیاتی نداشت ممکن بود بعضی اقدامات که میکرد بر خلاف مقتضیات باشد ولی بتدریج از مضمون همین کاغذ معلوم میشود که زمینة مقتضیات مملکت را بدست آورده و خودش را حاضر کرده است که یک طریق مسالمتی را پیش بگیرد و اگر ممکن بشود دولت با او داخل مذاکره در قرار داد بشود بنده او را مقدم میدانم بر این پیشنهاد خودم و اما راجع به این پیشنهادی که بنده کرده ام اولاً برای این است که دولت پنجاه و یک روز پیشنهاد کرده بود دو روز از آن گذشته و چهل و نه روز بیشتر باقی نیست نائیب بنده میدانم که دولت چند ماده به دکتر میلسپو پیشنهاد کرده است ولی از مضمون روزنامه ها اینطور فهمیدم که چهارده ماده است (اگر بیشتر است بنده میدانم خود دولت توضیح خواهند داد) مقصود من این است که علت ندارد دولت یک تکلیفی به دکتر میلسپو بکند و بالاخره موافقت حاصل نشود و آن چیزیکه حاضر نشدند بدکتر میلسپو بدهند حاضر بشوند بشخص دیگری بدهند این چندین ضرر دارد. اولاً اینجا اعمال غرض شده است که بنده یقین دارم غرض نبوده ولی در عمل ما هر قدر

بگوئیم غرض فهمیده نمیشود فهمیده میشود. نائیباً وقتی که این اختیارات (همان اختیاراتی که دولت از آن راضی نبوده است) باین شخص داده نشده است معنی و منطق ندارد بیک که بعد از او می آید و قادر تر از او خواهد بود بدهد برای اینکه این شخص الان تسلیم است بقول آقای وزیر مالیه که دیروز در منطق خودشان فرموده بودند (اگرچه بنده حضور نداشتم) فرموده بودند این شخص متنبه شده است و میدانم چه جور کار بکند پس وقتی که این شخص متنبه شده است بقول آقای وزیر مالیه تجاوزات نمیکند...

وزیر مالیه - همچو عرضی بنده نکردم. ارباب کیخسرو - در روز نامه بنده خواندم نوشته بودند که این شخص متنبه شده است و دیگر تجاوزاتی نخواهد کرد. البته این تنبه معنی زیاد دارد و هر کس بمذاق خودش تعبیر میکند. بنده وقتی که در روز نامه خواندم مثلی بنظرم آمد که بی مناسبت نیست اینجا عرض کنم. یک وقتی در کتابی خواندم که شیر و گریک و روپاهی رفتند شکار هر کدام یک چیزی آوردند و بنامش تقسیم کنند. شیر به گریک گفت تقسیم بکن گفت خوب هر کس هر چه آورده است مال خودش ولی شیر از این تقسیم غضبناک شد و یک سبلی بگوش گریک زد که سر او برید. به روپاه گفت تو تقسیم بکن روپاه گفت این مسلم است آنچه شیرشکار کرده برای نهار آنچه گریک تهیه کرده برای شام و آنچه بنده تهیه کرده ام برای صبح شیر باید باشد. از او سؤال شد که این تقسیم خوب را از کجا یاد گرفتی؟ گفت از آن سبلی که بگوش گریک خورد. در آن عبارتی که بنده در روزنامه خواندم این مثل بیاد آمد. با آن سبلی که بگوش دکتر میلسپو خورد هر کس بعد از او بیاید متنبه خواهد شد...

آقا سید یعقوب - آقا کشته شدن سپهسالار بادانان رفته ۱۴
ارباب کیخسرو - اجازه بدهید قربان بنده کسی نبودم

که تا دیروز تمجید دکتر میلسپو را کرده باشم و امروز بر ضدش حرف بزنم. بنده در موقع پرکرام آقای مستوفی کفتم مالیه خوب است باید اصلاح شود ولی امروز بیستم مالیه خراب تر خواهد شد که این عرایض را می کنم. در هر صورت باز از دولت تقاضا میکنم که بذل توجهی بفرمایند اگر ممکن است با او طریق مسالمتی بشرحی که در کاغذ خودش نوشته است پیش بگیرند و مسئله را اصلاح کنند و اگر نتوانستند اقلاً طریق دیگر پیش بگیرند که بعد سبب ندامت نشود.

رئیس الوزراء - رشته میلسپو و کارهایش یکماه پیش از این گسسته شده بود. بنده یکماه میباجی کردم. نه بسمت وزارت بلکه بسمت شخص خودم و منتها موافقتی که برای اصلاح اینکار میکردم من غیر رسم بود که بعد بیا بدیهت وزراء شاه فرمودند. وزیر دربار مأمور شد که باتفاق بنده در خارج با دکتر میلسپو مذاکراتی نکنیم و یک زمینة درست بکنیم بعد مطلب را رسمی کنیم و بیاوریم به هیئت. چند مجلس هفت ساعت و هشت ساعت و نه ساعت نشستیم و گفتگو کردیم. فصول یک قرارنامه با اکثرانی مختلف است؛ اگر هیچده فصل دارد چهار فصلش مهم است. باقی فروع است آن چهارناراً وقتی درست کردند بقیه را البته بایک کله بیشتر یا کمتر هم ماقبول میکنیم هم او قبول میکنند. اساس مطلب روی حکمیت بوده است و تشخیص تکلیف وزراء این مملکت غیر از امور مالی امور دیگری هم دارد که اگر در آن امور یک قدم بی موقع گذاشته شود مالیه و حالیه و همه چیزش از بین میرود (بعضی از نمایندگان صحیح - است) پس یک هیئت دولتی باید بتواند در یک موقع ضرورتی حفظ مصالح خیلی بزرگ مملکت را بکند هیچ دولتی که نخواهد بیک مملکتی خدمت بکند نمیتواند تمکین بکند باینکه اگر مصلحت پیش آمد در یک امری حکماً برود سه نفر را از خارج پیدا کند که آنها حکمیت کنند. حالا این مصاحبت مملکت است یا نیست در صورتیکه شاید خیلی از مصالح

هست که اصلش به هیچ سه نفری نمی شود گفت مگر آن اشخاصی که اسمشان وزیر مسئول است این جوانی را که میلسپو نوشته است بنده هم وقتی خواندم تا دوسه سطر با آخرش مانده دیدم هیچ عیب نداردمن هم بیستیدم ولی هر چه هست در آن دوسه سطر آخر است که نوشته است این پیشنهاد شما را عیناً من قبول نمیکنم. آقایین که مطلع از جلسات صحبت ما با او نیستند خیلی میکنند اصول را قبول میکنند و از فروغ رده میکنند اینطور نیست. در جوانی که میلسپو نوشته شده است و شاید آقایان (شاید هم ندارد حکماً) خواهند دید موادی را که میلسپو چهار فقره پیشنهاد کرده است در موضوع حکمیت که من اینجا قبول میکنم نه اینرا دولت نمیتواند قبول کند. ما بالاخره نمیتوانیم اینجا بنشینیم و دولت ایران را خودمان محکوم کنیم. اینکار را نخواهیم کرد البته ما تقدیر میکنیم، خیلی هم اظهار رضامندی میکنیم میلسپو در این چند سالی که بوده است خدمات هم به مملکت ما کرده است، مالیه را هم سر و صورتی داده است پولها را هم جمع آوری کرده است ولی یک معایبی هم در کار بوده که همیشه دولت شانه خالی کرده است از ترس آن حکمیت و در آن موقع که تجدید کسرات او را میکردند میبایست این معایب را رفع بکنند همه جور حاضر شده ایم برای همراهی بشرط رفع شدن این معایب ولی او نپذیرفت آخرش هم جوانی که ما نوشته است میگوید که بله من حاضر نیذیرم که از در این طرف وارد شوم نه از در آن طرف. از هر دري که دلشان میخواهد وارد شوند. سخن در پذیرفتن آن مواد معین است و چون بعد از (شاید) بیست و پنج ساعت مذاکره که خود بنده با علاقه مندی که به نگاه داشتن او داشتم (جهد کردم، اهتمام کردم او را هم نصیحت کردم، اینطرف را هم نصیحت کردم و اینطرف هم نصیحت نمیخواست، اینها فقط اعتبارات خودشان را میخواستند) نتوانستم موفق بشوم. این شخص بیک نظریاتی (او را هم تکذیب نمیکنم) میگوید من

تا بحال اینطور کار کرده ام بعد ها هم میخواهم اینطور کار بکنم و چون مانعیتواستیم قبول کنیم و چون دولت نمیتوانست نظر او را در اینکه « من حاضر بودم این را قبول کنم اما حاضر نیستم اما همه اش را قبول کنم » و دولت عاجز است از اینکه خودش را باین اندازه پست کند که آن شرایط را قبول کند از این جهت ما این پیشنهاد را کردیم .

رئیس - اگر اجازه میفرمائید تمام پیشنهاد ها قرائت شود بعد رأی بگیریم .

بعضی از نمایندگان صحیح است .

(پیشنهاد های مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای شیروانی

پیشنهاد میشود در آخر ماده واحده اضافه شود (و در انقضاء این مدت قانون مزبور بکلی ملغی و این اختیارات بدون تصویب مجلس شورای ملی باحدی داده نخواهد شد) وزیر مالیه - صحیح است دولت قبول میکنند .

رئیس - آقای بامداد پیشنهاد کرده اند

(بشرح ذیل خوانده شد)

بجای آوردن مستشار موقت با دائمی برای مدیریت مالیه چند نفر لایق صحیح العمل ایرانی را دولت به مجلس پیشنهاد کند تا يك نفر از میانه آنها معین شود و در عین حال دیوان محاسبات را بر طبق قانون تشکیل دهند پیشنهاد آقای مدرس : پیشنهاد میکنم در مدت پنجاه و يك روز اختیارات باقای حاج مخبر السلطنه داده شود پیشنهاد آقای شیروانی : تبصره ذیل را به ماده واحده پیشنهاد میکنم .

تبصره - دولت مکلف است در ظرف مدت فوق وسایل استخدام يك نفر متخصص عالی مقام امریکائی (از اتباع دول متحده امریکائی شمالی) را برای ریاست کل مالیه ایران فراهم نماید .

پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان : پیشنهاد میکنم که برای

کل مالیه نتوانست آن موادی را که دولت ما با پیشنهاد میکرد قبول کند بنابر این او می رود به مملکت خودش و ما هم آزاد هستیم که يك نفر دیگر را برای مملکت خودمان استفاده کنیم و برای احتیارات مملکت ما این موضوع لازم بود در مجلس شورای ملی گفته شود که فردا يك اشخاصی يك چیزهایی در خارج بگویند اگر هم يك حرف هائی هست يك حرف های شخصی است مملکت رو بهمرقعه عقیده اش این است که بنده عرض میکنم . در اینجا صحبت سر دو چیز است یکی دادن يك اختیاراتی به يك شخصی که اختیارات باو داده میشود . اگر ما بخواهیم بکنفر مستخدم خارجی بدون اینکه يك اختیارات معینی داشته باشد استخدام کنیم و يك پول زیادی باو بدهیم بیاید در اینجا مثل سایر مستخدمین در تحت تأثیر عمرو و زید واقع شود این مستخدم بعقیده بنده نه تنها نمیتوان از او استفاده کرد بلکه ممکنست ضرر هم داشته باشد بنا بر این باید تا يك اندازه اختیارات بدهیم بکنفر مستخدم خارجی ولی البته این تا آرزوی است که ما مستخدم خارجی لازم داریم ولی وقتی نیازی شدیم از مستخدم خارجی البته يك جریانات هست مثل تمام دنیا ما هم همانطور رفتار میکنیم اما وقتی که قائل شدیم يك اختیاراتی حتماً باید بيك اشخاصی و بيك مستخدمین خارجی داد چون آن اختیارات بکفتری فوق العاده است و از اختیارات بيك مستخدم معمولی زیادتر است آن شخص هم باید بيك قدری شخص غیر معمولی باشد . ما نمیتوانیم اختیاراتی را که در دوره چهارم با اینکه بنده افتخار نمایندگی نداشتم ولی در خارج بودم و در جریانات بوده اختیاراتی که در آن دوره بشخص دکتر میلسیو داده شد غالباً مواد آن باتلگراف با امریکا بخاره میشد و بتوسط دولت میآمد به کمپسیون بودجه و در کمسیون بودجه حلّاجی میشد و اظهار نظر هائی میشد و مجدداً باتلگراف بخاره میشد و باتوافق نظر این مستخدم (که در امریکا بود) و کمسیون بودجه

این اختیارات نوشته شد . پس این يك موضوع خیلی ساده و کوچکی نیست که ما بیائیم این اختیارات را بدون يك مطالعه زیادی از شخصی بيك شخص دیگری بدهیم برای اینکه مجلس چهارم به نهایت دقت و باخرج کردن مبلغ زیادی پول تلگراف بالاخره نتوانست توافق نظر پیدا کند بین بيك شخصی با دولت ایران تا يك سلسله اختیارات ، حالا در این ضمن يك موادی در خارج آوردند و ملحق کردند به قانون خدا هدایت کنند اشخاصی را که این کار را میکنند و مملکت ما را در آخر کار دچار يك محظوراتی میکنند . در هر صورت ما این اختیاراتی که با اینهمه اهمیت بيك شخص مهمی داده ایم نمیتوانیم بيك شخص غیر مهم دیگری بدون مطالعه بدهیم بنده نمیخواهم عرض کنم مستر مکاسکی که او هم پنجاه سال بدولت ایران خدمت کرده است ولی بالاخره مجلس شورای ملی بیش از اینها باید مطالعه کند در دادن يك اختیاراتی بيك مستخدمینی ولو هرکس باشد . گاهی از مواد قوانین از ابهام قوانین در موقع وضع قوانین يك سوء استفاده هائی میشد در اینجا درست است که ما چهل و نه روزه يك اختیاراتی که بيك شخصی داده به میخواستیم بيك شخص دیگری بدهیم ولی ممکن است حوادث بالاخره طوری بکنند که دولت موفق نشود باینکه در انتهای این مدت يك نفر مستخدم علمیه را بجای دکتر میلسیو بگمارد و باز به بعضی بهانه ها و حرف ها تمديد از ما بخواهند . و خلاصه اینکه گیر کنیم در يك موقع معجزی و باز بگویند خوب حالا که تمديد مالیه مملکت را ول کرد و باید چند روزی صبر کرد تا بيك مستخدمی پیدا شود بنده چون آرزوی او را مستخدم ایران نمیدانم (همانطوری که امروز دیگر شخص دکتر میلسیو را مستخدم دولت ایران نمیدانم) اختیاراتی هم که برای او وضع شده است میخواهم در آخر این مدت چهل و نه روز آری از جاهای اوباقی نماند . ممکن است مجلس شورای ملی فوق این اختیارات را بيك نفر دیگری

بدهد در هر صورت این اختیارات و این قانون بعد از این مدت باید کان لم یکن باشد آنگاه البته مجلس هر کس را صلاح میدانند در نظر میگیرد و هر اختیاراتی را هم که مجلس شورای ملی صلاح میدانند بیک شخصی میدهد. این است که بنده پیشنهاد کردم که در آخر این ماده اضافه شود که پس از چهل و نه روز این قانون بکلی ملغی و این اختیارات هم با حدی داده نخواهد شد و اما راجع به تبصره (چون يك مرتبه میخواهم توضیح بدهم زیرا ماده با تبصره رأی گرفته میشود) موضوع تبصره بنده در خارج اطاق مجلس از رئیس الوزراء و آقایان وزراء بطور خردمانی و خصوصی در جلو چند نفر از همکاران محترم گویا آقای کازرونی هم تشریف داشتند پرسیدم آیا واقعاً خیال دارید بجای دکتر میلیسیو يك نفر متخصص عالمقام استخدام کنید یا خیر؟ این را بما بگوئید که ما تکلیفمان را در موقع پیشنهاد دادن و حرف زدن بدانیم. شخص رئیس الوزراء به بنده فرمودند که دولت ایران تصمیمش این است که بجای شخص دکتر میلیسیو يك نفر مستخدم عالمقام تر و دانازر و متخصص تر از دولت امریکا جلب بکند و استخدام بکند و تمام مقامات این مملکت هم موافقت و گمان میکنم در مجلس شورای ملی هم يك اکثریتی دارای این عقیده باشد که ما چند سال دیگر يك نفر رئیس کل مالیه متخصص با اختیاراتی لازم داریم. در هر صورت بنده یکی از اشخاصی هستم که معتقدم این مملکت لا اقل تا پنج سال دیگر محتاج است بیک نفر رئیس کل مالیه مقتدر امریکائی و يك نفر خزانه دار امریکائی و يك نفر رئیس محاسبات امریکائی و السلام سایر آقایانی هم که تشریف آورده اند البته يك خدماتی هم به مملکت کرده اند راضی هم هستیم حسن روابط هم داریم ولی بیش از این شيراز و کرمانشاه و غیره محتاج رئیس مالیه خارجی نیست اما مرکز مالیه ما احتیاج دارد بیک رئیس يك خزانه دار و يك رئیس محاسبات آنها مخصوصاً از مملکت امریکا دولت را بنده

دیدم دارای این نظر است با توافق نظر دولت بنده پیشنهاد کردم که در ظرف این مدت چهل و نه روز (حقیقه) چون گفتند ما ما بلیم وسایل استخدام يك نفر متخصص عالمقام امریکائی را برای ریاست کل مالیه فراهم بکنیم) که رئیس الوزراء ایامی که آن اختیارات دارد خانم پیدا میکند و کنترات این شخص تمام میشود کنترات آن شخص جدید به مجلس آمده باشد از دولت استدعا دارم در این کار صمیمیت بخرج بدهد یعنی وقت خودشرا تماماً صرف این کار بکند مجلس هم حاضر است و بالاخره تا چهل روز دیگر هم دولت با تلگراف موفق خواهد شد باینکه یک نفر را در نظر بگیرد برای اینکه مملکت امریکا تر از متخصص خوب است وقتی هم که حقوق خوب دادید همه کس حاضر است حقوق دو سه نفر را یکی کنید بدهید بیک نفر که بدرد کار بخورد و او را استخدام کنیم و این پیشنهاد هم با توافق نظر آقای رئیس الوزراء و آقای وزیر مالیه نوشته شده دیگر بسته است بنظر مجلس

رئیس الوزراء - هر دو پیشنهاد را دولت قبول میکند

بعضی از نمایندگان - مخالفیم.

حاج آقا رضا (رفیع) - بنده مخالفم

بعضی از نمایندگان - رأی میگیرند مخالفید رأی ندهید.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - همین جور که آقای شیروانی فرمودند (استجازه هم از آقای رئیس میکنم در پیشنهاد نباید بر حرف زد لیکن بیش آمد طوری شده است که در این پیشنهادها قدری زیاده از اندازه حرف زده می شود لهذا سه مسئله را بنده عرض میکنم. شخص بنده در ضمن صحبت در پرگرام هیئت حالیه نسبت بر رئیس مالیه طرداً للباب يك صحبتی کردم و الا در این چهار پنج ساله تصدیقاً یا غیر تصدیقاً صحبتی نداشتم و محل ابتلاء شخصی هم با رئیس مالیه در این چند سال هیچ نشده ام

الا يك دفعه يك نوعی از شان کرده آنرا هم نشنیدند در وقتی میخواستند تشریف ببرند امریکا فرستادند پیش من عکس مرا خواستند گفتم برای چه میخواهید گفتند میخواهم سوغات ببرم گفتم عکس من که فایده ندارد خوبست این پولهایی را که از ما میگیرید يك چیزی بخرید و آنها را سوغات ببرید نه اینکه يك چیزیکه قیمت ندارد ببرید و پول هارا هم ببرید. این را هم قبول نکرد و محل ابتلاء من فقط این بود. ولی اسولاً عرض میکنم مستخدم هر چه خوب باشد وقتی دولت صلاح ندید و نحواست باید تشریف ببرد جناب ایشان هم در دو مسئله خیلی خوب بودند یکی در تمرکز عایدات و یکی نظارت در مخارج در باقی کارشان بنده هیچوقت تصدیق نداشتم بهشان هم میگفتم لیکن معذک بنده عقیده ام این است که خدمات نمایان کرده و باید همه تشکر داشته باشیم و امیدوار هم باشیم که ایشان راضی باشند که ما مستخدم دیگر بیاوریم و البته آن مستخدم هم خدمات نمایانی بکند ولی بشما عرض میکنم که هر مستخدمی ما بیاوریم بعد از پنج سال به تخصص امروز دکتر میلیسیو نمی شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است) اینها خیال است بعد از شش سال و ده سال هم شاید نشود. ولیکن باید هر طوری صلاح شد همان طور بشود من که در مرحله خودم از خدمات ایشان تشکر میکنم و از تطبیق کردن جمع و خرج ایشان متشکر ولی حالا باید دید این پنجاه روز ما باید خودمان را طوری معرفی کنیم که در مملکت ایران یک نفر نیست که این صد دینار را بدهیم بدستش تا فکر کنیم دیگری را بیاوریم؟ من خیلی این را برای خودمان بد میدانم. آقای دکتر خیلی خوب. پیشها هم خیلی خوب. لیکن این پنجاه روز ما یکی را نداریم که این کار را بدهیم دستش تا سر حوصله و نامل کنیم تا موافقت حاصل بشود. بنده در این مسئله با پیشنهاد آقای تقی زاده موافقم لیکن این پیشنهاد خودم را هم خوب میدانم عرض میکنم آقای خیر السلطنه

معروف بخوبی و صحت عمل هستند. يك وقتی با ایشان مباحثه کردیم که چرا شما چیزی ندارید ایشان گفتند آخر صحت که پول نمی آورد بنده با ایشان گفتم شاید مثل من هنر نداشته باشید گفتند خیر از صحت است حالا خودشان که معتقدند صحت عمل دارند معروف هم که هستند صحت عمل ممکن است این پنجاه روز این اختیار را بیاوریم دست ایشان مجلس مطالعه کند. آقای دکتر میلیسیو که تشریف آوردند. (من سر رشته از مالیه ندارم که بگویم متخصصند یا نیستند. خواهش دارم عراض بنده را چون حال ندارم گوش کنید) لیکن وقتی که آمد الانصاف آدم وزن سنگینی بود. ولی حالا در اینکه متخصص شده یکی نیست اما چه شد که این شخص کارش پیشرفت کرد جهتش این بود که این قانون به توافق نظر تمام مجلس و دولت درست شد. آقای دکتر میلیسیو آمدند سر همچو قانونی که با توافق نظر تمام مجلس نوشته شد. آقا فرمودند کمیسیون بودجه ولیکن من خاطرم است کمیسیون فوق العاده تشکیل شد و خیلی از آقایان خارج از مجلس هم دعوت شدند و در این مسئله قانونی تبادل آراء شد توافق نظر دولت و مجلس در این قانون شد و انصافاً ایشان هم در مقام اجرا يك خدمات خوبی کردند. حالا بنده عقیده ام این است که مطابق پیشنهاد بعضی از آقایان این پنجاه روز این اختیارات داده شود بشخص آقایانی که الان رئیس دولت است و خودمان را این جور معرفی نکنیم که بکساعت يك کسی را نداریم مالیه مان را دستش بدهیم یا برای پنجاه روز يك کسی را برای این کار نداریم. این شخص را من نمی شناسم شاید هم خوب باشد. اما خوب نیست بگوئیم برای پنجاه روز يك آدم ما در ایران نداریم این بدانمی است برای ما پس بهتر این است این مدت مالیه بدست ایشان باشد تا فکر کنیم. مطالعه کنیم و با پیشنهاد دولت و با توافق نظر تمام و کلااء يك نفری را که بسندیدیم با از امریکا که ایشان پیشنهاد کرده اند یا از جای دیگری

صبر استخدام کنیم و بنده عقیده ام این است همین جوری که آقای مخبر السلطنه آن پیشنهاد را قبول کردند این پیشنهاد را هم قبول کنند و بعد بسر صبر بنشینیم و تا عمل کنیم و کار را درست کنیم

رئیس الوزراء - بنده افتخار داشتم به حاج رئیس الوزرائی حالا معلوم میشود باید حاج رئیس مالیه هم باشد. بنده میترسم آقای مدرس از شدت لطفی که به بنده دارند مقصودشان این باشد که بنده از ریاست وزرائی استعفاء کنم و بروم رئیس کل مالیه بشوم ...
مدرس - خیر.

رئیس الوزراء - والا جمع این دو شغل با هم دیگر خودشان هم باید تصدیق فرمایند که نمیشود ...
مدرس - چرا؟

رئیس الوزراء - آخر ریاست کل مالیه خودش يك شغلی است که اولاً يك تخصصی میخواهد که بنده آن تخصص را ندارم. عادتاً میخواهد بقانون مخصوص که آن عادت را ندارم و يك فرصتی میخواهد برای اینکار که بنده آن فرصت را هم ندارم با این سه شرط معدوم در بنده بنده نمیدانم چه جور باید این کار را بکنم و اگر نظارت کلیه است که البته دولت يك نظارت کلیه بر همه ادارات دارد و باز بنده عقیده ام این است که آقایان موافقت فرمایند که از همان اشخاصی که انس دارند عادت دارند و ورزیده هستند بکنند سرکار گذاشته شود. البته دیگران هم هستند و این امر هم دلالت نمیکند بر این که در ایران بکنند آدم نیست در ایران صد هزار نفر هم هست که میتوانند همه این کار را بکنند خیلی هم خوب میکنند ولی البته يك نظر های دیگری بوده است که ما خواستیم معلومات خارجی هارا هم داخل معلومات خودمان بکنیم و يك متخصصینی هم از خارج داشته باشیم. این دلالت ندارد که در مملکت ما آدم نیست. آدم زیاد است خیلی اشخاص

هستند که هر کدامشان را بگوئید بخوبی میتوانند از پیش ببرند ولی يك نظرهایی هست که ما میخواهیم قوای خارجی را هم ضمیمه قوای خودمان بکنیم و بنده عقیده ام این است که آقای مدرس بنده را معاف فرمایند از این خدمت و باز موافقت بکنند با آن پیشنهادات سابق.

مدرس - يك ایرانی دیگر

روحی - بنده مخالفم

رئیس - فرمائید

روحی - عرض کنم آقای رئیس الوزراء گذشته از این که رئیس الوزراء هستند و مسائل مهمه مملکت را باید درست کنند متکفل وزارت فوائد عامه هم هستند و البته تصدیق میکنند که معنی پیشنهاد این است که از این کارشان استعفا بدهند من بایک نظر ممکن است بین پیشنهاد آقا موافقت کنم که حوالجات مخارج بامضای ایشان باشد والا ایشان ریاست وزراء و ریاست کل مالیه ایران را قبول بکنند و جزئیات کار را برسند آن وقت من تصور نمیکم که پیشنهاد آقا برفع مملکت باشد و يك خسران و ضررهای دیگری دارد.

رئیس - آقای دکتر رفیع راجع به پیشنهاد خودتان

فرمائید توضیح بدهید

دکتر رفیع خان امین - آقای دکتر میلسیو در اثر عدم توافق نظر با هیئت دولت بالاخره خدمات خودشان را خاتمه دادند و در این موقع بنده بمورد میدانم که رعایه ایشان يك حملاتی کلی و جزئی بشود. نه تنها نباید حملاتی بشود بلکه میتوان گفت که خدمات ایشان در ظرف این چند سال یعنی این پنجسال اخیر از جمله عوامل مهمه بوده است که با اتفاق عوامل مهمتر دیگری موجب سربلند کردن و زنده کردن ایرانی بوده است. البته بنده نمیخواهم نسبت به آقای میلسیو مدحه سرائی بکنم ولی در تاریخ حتماً خدمات ایشان را مخصوصاً تاریخ این پنج ساله در صفحات خود ثبت و ضبط خواهد کرد و خودی

و بیگانه مسبوق و مستحضر خواهند شد. در هر حال یکی از عوامل مهمه احیاء ایرانی در این پنجسال اخیر خدمات ایشان است در این موقعی که ایشان میروند بنده پیشنهاد کردم که بکنند ایرانی موقتاً بجای ایشان انتخاب بشود پیشنهاد شده است از طرف دولت که مکاسکی جای نشین ایشان باشد همانطور که آقای ارباب در جلسه گذشته اظهار کردند آقای مکاسکی محاسب هستند و آنوقت باید هم خرج کنند و هم حساب کنند و این مقتضی نیست علاوه بر این چون هم نوع است بامیلسیو بنده صلاح میدانم که بکنند ممنوع که مادون اوست جای نشین او بشود آهم مادون هم از نقطه نظر علمی و هم مخصوصاً از نقطه نظر اخلاقی و مقتضی بود که خود ایشان تا انقضاء مدت باقی بمانند و این پیشنهادی که بنده کرده ام يك نفر ایرانی با همان اختیارات بجای آقای دکتر میلسیو معین شود محسنانی دارد و بهترین محسنانش این است که در این مدت يك آزمایشی میشود و لیاقت ایرانی هم ثابت میشود و بنده معتقدم که با همان اختیاراتی که به میلسیو داده اند ایرانی هم میتواند از عهده برآید این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای تقی زاده راجع به پیشنهاد خودتان

فرمائید

آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم باین پیشنهاد ایشان

رئیس - يك قدری مخلوط شد با هم موقع شام می رسید

آقای تقی زاده فرمائید

تقی زاده - چون بعقیده بنده مذاکرات قدری زودتر بکتابتیش رأی داده شد و این مطلب هم مکرر در مجلس گفته شده که بعضی مطالب هست باید در مجلس گفته شود و فایده ندارد که مذاکرات زود کافی بشود در اینصورت انسان مجبور است پیشنهاد کنند و مطالب خودش را در پیشنهاد بگویند و بنده مخصوصاً خودم را مکلف میدانم که مطلب خودم را در اینجا بیان کنم و

خیلی هم اهمیت نمیدهم که پیشنهاد بنده را قبول کنند یا موافقت نکنند شاید هم صلاح بدانند و موافقت بکنند ولی این مطلب از آن مطالبی است که در اینجا لازم میدانم خطاب به مملکت و ملت در آن باب حرف زدم این صحبت خطاب به مملکت و تاریخ است نه خطاب به اشخاص حاضر. بنده چند روز قبل این جا گفتم که دو سه روز دیگر سرنوشت مملکت برای مداومت یا عدم مداومت اوضاع پنج ساله اخیر مالیه مملکت باید معلوم شود. در این سه ماه اخیر این سؤال و جوابها با بقول معروف این بازها همه اش در پس برده میگذاشتند و مجلس را هیچ اثری که در این کار ندادند و هیچ اطلاع نداشت مگر اینکه در جرگه میخواندند و هیچ مشورتی «مجلس و کمیسیونهای مجلس نشد ولی البته خبرخواهان مجلس هم بسکوت گذراندند و حتی الامکان دست دولت را باز گذاشتند و هیچ قسم دولت را زحمت ندادند که که از راهش کج بشود و از صمیم قلب میخواهند که مقاصد دولت بعمل بیاید و همینطور از صمیم قلب آرزو میکردند که سر این دورپیمان برای مصالح مملکت و آسایش مملکت بهم بیاید و مالیه مملکت مختل نشود و خیلی متأسفم که سرنوشت این مملکت بطور دلخواه خیرخواهان مملکت معین نشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

حاج آقا رضا رفیع - کجا صحیح است. عقیده خودتان است از طرف دیگران نگوئید.

تقی زاده - البته بعقیده بعضی که حرف میزنند صحیح است و بعقیده بعضی صحیح نیست. در آن حرف نداریم ولی بنده تصور میکنم که دولت در این مورد بلکه میخواهم بگویم متصدیان امور و هر کسی که در این کار دخالت داشت (چون اطلاعی که شخصاً از آقای رئیس الوزراء دارم موافقت و حسن نیت شان را در این کار دیدم و اگر این اظهاری که اینجا کردند بر حسب تکلیف نباشد آنچه که بنده اطلاع دارم ایشان هم اطلاع دارند و کاملاً

ممکن بود این کار را بطور خوبی حل کرد. چیزی که متصدیان امور در این کار غفلت کردند و غفلت اساسی بود و برای آتیۀ مملکت مضرات عظیمه را مشتمل است همان طریقه ایست که آرا دنبال کردند. مطلب البته مذاقه لازم داشت و باید مباحثه و مذاکره بشود. بعضی آقایان گفتند که روز اول طرف مقابل گفته که من فلان چیز را میخواهم. بنده میگویم البته روز اول او در آن پله اول می ایستد شما هم در آن پله آخر (که خیال هم ندارید بایستید) می ایستید ولی آن صحبتهای روز اول را نباید مناظر قرار بدهیم. بعد کم کم پله پله بهم نزدیک میشوند ولی باید مملکت و نمایندگان ملت بدانند که در فلان وقت فلان واقعه که بی خبر گذشت آیا تمام مسائل و نظریات خیر خواهانه بعمل آمد که آن قدری که ممکن است قضیه حل بشود بانه؟ این مطلب برای بنده مشکوک است و کاملاً هم مشکوک است. اینجا فرمودند که ایشان گفته اند که من این را رویهمرفته قبول ندارم. البته آقایان باید مسبق باشند که (رویهمرفته) را ترجمه کرده اند از يك كلمه کاملترش این بود که تماماً در یکجا یعنی بدون اینکه يك کلمه حذف شود. یعنی کاهوعلیه قبول ندارم. بنده نسخه انگلیسی آرا هم دیدم. بی البته دولت نمایست، و او اظهار هم نمیکرد که میخواهد تمام جزئیات را ابستادگی کند. مسئله اساسی مسئله حکمیت بود. همانطور که فرمودند در کنترات گذشته و در این پنجمال گذشته حقی که ایشان برای تعیین حکم داده شده بود بطور مطلق بود یعنی هر کس را که می خواهد معین کند و دولت میخواست این « هر کس » نباشد. یعنی برای تصفیۀ اختلافات اگر قضیه به محلی رجوع شود محل ایرانی باشد. این را بالاخره دکتر میلسپو قبول کرد که اگرچه او غیر ایرانی است و دولت ایرانی است ولی اگر با هم در سر مطلبی اختلاف داشتند و او بگوید که من این را اینطور می فهمم و حقوق من باید این طور حفظ شود بالاخره قاضی و فاضل قضیه را ایرانی معین میکنند. این

مطلب اساسی بود که او برداشت و این مسئله را قبول کرد ولی دولت و اشخاصی که متصدی اینکار بودند در جزئیات پیچیدگی کردند و همچو احساس دادند یعنی در خارج این اثر را دادند که نمیخواستند سر این دوربسمان بهم بیاید ولو اینکه هر قدر هم گذشت از طرف مقابل میشد و هر قدر هم موافقت از طرف او میشد بطوریکه گفته شد و بنده هم میدانم آخرین پیشنهاد اینطور بود که اگر اختلافی در موضوعی حاصل شود اگر هیئت وزراء حل و فصل بکند فبها ولی اگر در هیئت وزراء کاملاً حل نشود يك کمیسیون معین کنند که در اطراف اینکار مطالعه کنند و اگر آنها هم حل نکنند رأی مجلس قاطع شود و این پیشنهاد را دکتر میلسپو قبول کرد ولی دولت این را هم قبول نکرد. آقای رئیس الوزراء امروز فرمودند که (بعضی امور سیاسی هست) آنچه بنده اطلاع دارم حتی در امور سیاسی هم او حاضر شد گذشت بگند و آقایانی که کاغذ اخیر او را دیده اند...

شیروانی - گذشته گذشته برای آتیۀ يك فکری بکنید.

تقی زاده - چون پیشنهاد بنده را که آقایان ملاحظه فرمودند این نیست که گذشته، گذشته، بنده میگویم دولت همیشه در تحت نظارت مجلس است. دولت میگوید این راهی که من پیموده ام درست پیموده ام و راه حلی در این کار ممکن نبود در این صورت هیچ عیبی ندارد که مجلس هم در این کار مداخله داشته باشد. برای اینکه هیچیک از ماها شك نکنیم که بالاخره مسامحه و فروگذاری و عدم گذشت و کنار نیامدن در کار بوده است و برای اینکه این مسئله برای مملکت و تاریخ مجهول نماند بهتر این است که مطلب روشن تر شود. و باید گفته شود که دکتر میلسپو برای این مملکت کار خوب کرده و این مملکت از او قدر دانی دارد. و او برای ثبات اوضاع مالی و مزید اعتبار مالی مملکت مادر خارج و پیشرفت اوضاع اقتصادی این مملکت در

این پنجمال کمک بزرگی کرده و میدورم که ملت مریکا تصور نکنند که ما حق ناشناس بودیم. بنده شخصاً از اشخاصی بوده ام که همیشه از اول مشروطیت تا حالا برای مداخلات زبرد اجتناب و خارجه ها در این مملکت معارضه کرده ام و نمۀ عمر در این کار جهاد کرده ام و همه اهل مملکت هم میدانند ولی برای بنده جای تعجب است که بعضی اوقات در مقابل يك شخصی (که فقط پاسپورتش خارجه است و غیر از آن دیگر هیچ چیزش خارجه نیست و اگر نوکری و سنجدم ما را قبول کند هیچ دولت خارجه ای از او نگهداری و طرفداری جبری نخواهد کرد و اگر نور بیرون هم بکنیم هیچ طور نمیستد و يك نت هم برای ما نمی فرستند و ما می توانیم آزادانه امور مالی خودمان را با اختیارات بدست يك همچو شخصی بدهیم و هیچ ضرری هم برای ما نخواهد داشت) اینقدر اشکال می شود! در صورتیکه بعضی اشخاص بودند که دادن اختیارات را بدولت خارجه صلاح میدانستند و آن را برای مملکت عیب نمیدانستند ولی در این مورد و مقدمه در موضوع يك نفر خارجه ای که نوکر ایران است و کاملاً تحت اختیار دولت ایران است گفته میشود که چرا خارجه باید در کار مداخله کند! این مطالب از خاطر ملت و مملکت و تاریخ محو نمیشود که دکتر میلسپو و شوستر را مجلس شورای ملی استخدام کرد ولی هیچکدام را مجلس مرخص نکرد. ملت ایران آنها را در خاطر خود نگاه خواهد داشت و خدماتشان را فراموش نخواهد کرد. اینها مأمورین بی غرض و بیطرفی بودند که در این مملکت حقیقتاً مانند وطن پرستان ایرانی برای این مملکت خدمت کرده اند و هیچ فرقی با آنها نداشته اند جز اینکه پاسپورتشان خارجه بوده است. این ها حکم لافیت و بارانش را داشته اند که در استقلال امریکا آنطور خدمت کردند. این ها حکم انگلیسهای را داشتند که بسرکردگی کارمبالای در ایتالیا خدمت و فداکاری کردند. اینها آمدند در ایران و

برای این مملکت خدمت کردند و در تحت تأثیر عوامنی رفتند...
حاج آقارضا (رفیع) این چه تریبی است؟ کنفرانس است...
رئیس - دیگران هم همین ترتیب حرف زدند
حاج آقارضا (رفیع) - ماده شصت و سه راه...
تقی زاده - اگر نمیخواهید حرف تمیز نه و آسانی پائین دهید...
بعضی نمایندگان - خیر، فرمائید، فرمائید.
تقی زاده - ولی بنده باید در مقابل تاریخ و مملکت حرفه را بزنم. این ها در تحت تأثیر عوامل مخصوصی از مملکت وارد شدند و اولین فرصتی که ملت ایران پیدا بکنند نیت خواهد کرد و نشان خواهد داد که ملت ایران خدمت خیر خواهند آنها و ملت نجیبشان را فراموش نخواهد کرد. ملت امریکا ملتی بود که در موقع سختی بما کمک کرد و باز اول دولتی بود که برضد قرارداد در آن موقع برتست کرد. ولی بعضی از اشخاص بی قید این مملکت در موقع خوشی ایشان را فراموش کردند. خلاصه عقیده خود بنده این است که هنوز هم دیر نشده است و ممکن است با خود دکتر میلسپو کنار آمد. و اگر حسن نیت در کار باشد این مسئله ممکن است بطوری که عرض کردم بنده این حسن نیت را در آقای رئیس الوزراء سراغ داشته ام ولی حسن نیت ایشان هم مثل حسن نیت اکثریت مجلس نمیری نداشت. بنده برای دفعه آخر و برای اداء تکلیف خودم در اینجا عرض میکنم که اگر واقعاً میخواهید این مطلب در روز روشن جلوملت و مملکت و مجلس حل شود بهتر این است که يك کمیسیون از مجلس انتخاب شود و با دکتر میلسپو و نمایندگان دولت مذاکره کنند که اگر واقعاً ایشان يك اشکالی پیش میآورند که قابل حل نیست آنوقت دیگر هیچ جای حرفی باقی نخواهد ماند ولی اظهاراتی که آقای رئیس الوزراء فرمودند چندان مقنع نبود زیرا ایشان فرمودند دکتر میلسپو گفته که من همه

رایک جا قبول ندارم و آن چیزهایی که او میخواست قبول کند بدرد ما نمیخورد و آن چیزهایی که ما میخواستیم او قبول نمیکرد ولی بالاخره معلوم نشد که آن چیزها چیست. بنده حاضرم ثابت کنم و خیلی از چیزهای اساسی را که دولت میخواست او حاضر بود قبول کند. و بنده سهم خودم اینجا عرض میکنم که هر قدر تأثیر و نفوذیکه در اینکار اجرا کردم؟ تمامش یعنی صدر صدش برای این بوده است که طرف مقاصد دولت ایران را قبول کند و برای این نبوده است که دولت پیشنهادات او را قبول نماید بعلاوه ما نمیخواستیم از جاده خودمان خارج شده باشیم ولی میخواستیم کاملاً دولت را آزاد گذارده باشیم عرض میکنم که باید حسن نیت در کار باشد تا اثر مطلوب گرفته شود و چنانچه عرض کردم بنده این اظهاراتی را برای اداء تکلیف نمایندگی ملت و ضبط تاریخ عرض کردم. حالا اگر واقعاً آقایان میخواهید ممکن است امتحان کنید و به بینید میشود یا نه؟ ولی همان طور که آقای مدرس فرمودند عرض میکنم هیچ متخصصی هم پیدا نخواهیم کرد که بعد از پنج سال مثل دکتر میلسیو بشود.

وزیر مالیه - بنده عرض دارم.

رئیس الوزراء - بنده خیلی مفصل عرض نمیکنم، آنچه که باید عرض کنم عرض کرده ام و آن ابهامی هم که آقای تقی زاده فرمودند در عرایض بنده نبود. بنده در آخر کلام خودم اعاده نکردم ولی پیدا بود آن نکته که او قبول نمیکرد روی کدام مبحث است حالا هم بیداست تمام مسئله روی حکمیت است و حرف سر این است که دولت هم آخر باید در مملکت خودش اختیاری داشته باشد میگویند نباید این اختیار را داشته باشد و البته دولت نمی تواند زیر بار این حرف برود، ولی بنده خیلی متأسفم و تأسفم هم این است که یک وقت نیمساعت روی این کرسی حرف زده میشود که ما باید نشان بدهیم خودمان هم یک چیزی هستیم و بعد

نیمساعت حرف زده میشود که یک نفر از آسمان پائین افتاده است و معتقدیم که اگر این برود دنیا هم میخورد خیر دنیا هم بهم نمیخورد.

تقی زاده - دنیا هم میخورد ولی کار شما بهم میخورد.

وزیر مالیه - هیچ بهم نمیخورد - هیچ طور هم نمیشود رئیس - آقای دشتی

دشتی - آقای تقی زاده از وقتی که وارد ایران شده اند جداً طرفدار دکتر میلسیو شده اند. ولی شاید خودشان هم تصدیق کنند که بنده قبل از ایشان یعنی از ابتداء که دکتر وارد ایران شد و مشغول کار شد و در طی عمل دکتر را دیده طرفدار او بودم.

همینکه دکتر میلسیو وارد عمل شد بنده دیدم حقیقتاً آدم بی غرضی است و باید عملیات او را تقدیس کرد لهذا در مواقع مختلفه که میخواست مالیات معوقه را از سپهسالار مثلاً وصول کند یک دنعه در طهران جنجال میشد و میخواستند او را هو کنند در آن موقع تنها کسی که در دفعه اول و دوم و سوم از دکتر میلسیو حمایت کرد خود بنده بودم. و تا آخرین دقیقه هم که دکتر میلسیو از این شهر بیرون میبرد بنده یکی از طرفداران او هستم و معتقدم که دکتر میلسیو یکی از مستخدمین خیلی خوب این مملکت بوده است. یعنی هیچ خیانت باین مملکت نکرده است. و در مواقعی هم که دکتر میخواست وظائفش را انجام دهد و مطابق تکالیفش رفتار کند یک قال و مقالمائی برضدش بلند میشد خود بنده میدانم که شاید عده بر علیه او و برای خنثی کردن عمیات او قیام کردند ولی فعلاً موضوع در این نیست که دکتر میلسیو بد است یا خوب است. بنده گمان نمیکنم یک نفر در این جا باشد که عقیده داشته باشد میلسیو بد آدمی است. یا دزدی کرده. موضوع سر این نیست. موضوع در این است که دکتر میلسیو نمیخواهد کنترلات خودش را با آن شرائطی که دولت در نظر دارد تجدید کند. عده

مطلب در این قسمت است. آقای تقی زاده فرمایشاتی فرمودند حاکی از اینکه چرا مجلس را مداخله ندادند. بنده معتقد نیستم که مجلس در اینکار مداخله کند. مسئله استخدام و ضرورت استخدام یک نفر خارجی را دولت باید تشخیص بدهد و بعد کنترلاتش را به مجلس بیاورد آنوقت اگر مجلس مقتضی دید رأی میدهد و اگر مجلس بانظر خوب آن مستخدم را تلقی نکرد رأی نمیدهد اما نمیشود که مجلس از یک دولتی استبضاح کند یا او را ببندازد برای اینکه چرا فلان مستخدم را استخدام نکردی این ترتیب برخلاف اصول پارلمانی است. بنده تعجب می کنم چرا آقای تقی زاده این فرمایش را میفرمایند! و اعتراض میفرمایند که چرا دولت مجلس را مداخله نداده است در این موضوع. اما راجع بخود دکتر بنده شخصاً بواسطه موقعیت روزنامه نگاری که دارم مطلعم که دو ماه است مذاکرات با دکتر میلسیو در جریان است و مجالس مختلف و زیادی بین رجال مملکت و دکتر میلسیو اتفاق افتاده است. و مذاکرات جریان داشته و همان طور که آقای رئیس الوزراء فرمودند یک مسائلی هست که در ظرف این پنجساله دولتها با او بین برده و دیده اند که بعضی از مواد این اختیارات بحال مملکت مضرت است و خواسته اند آنها را اصلاح کنند. بنده عقیده ام این است که اگر دکتر را بحال خود باقی می گذاشتند بانظریات دولت موافقت میکرد ولی کاسه های از آتش گرم تر دکتر میلسیو را بهوس انداخت و دعواء به جهل کردن و باصطلاح پوست خرزله زیر پایش گذاشتند و بالاخره نگذاشتند که او بانظریات خیر خواهانه دولت موافقت کند. نه تنها کابینه آقای حاج مخبر السلطنه این مسئله را در نظر داشت بلکه کابینه آقای مستوفی الممالک هم معتقد بود که باید در مواد برگرام دکتر میلسیو تجدید نظر شود. کابینه های گذشته هم در ظرف این پنجساله غالباً معتقد بوده اند که در موقع تجدید استخدام کنترلات دکتر میلسیو باید بعضی از موادش اصلاح شود

یکی از مسائل خیلی مهمه که در نظر گرفته شده بود مسئله حکمیت است. حقیقتاً خیلی مضحک است که دکتر میلسیو میگوید من هیئت دولت ایران را که طرف اعتماد اکثریت مجلس است قبول ندارم. بدیهی است که همیشه دولتهائی که روی کار میآیند طرف اعتماد اکثریت مجلس خواهند بود در اینصورت مضحک است که دکتر میگوید من هیئت دولت را قبول ندارم و باید از خارج سه نفر بیابند حکمیت کنند. در صورتیکه رأی هیئت دولت باید قطع باشد. مخصوصاً پس از آنکه دولت مسئله حکمیت را تفکیک کرد. یکی راجع به حقوق شخص دکتر میلسیو بود آن را به حکمیت خارج واگذار کردند. یکی هم راجع به فهم قانون بود آن را هم گفتند مراجعه شود به کمیسیون که مرکب است از رئیس دیوان تمیز و رئیس الوزراء و رئیس مجلس. و یکی هم راجع به قضایای جاری امور مالیه است. در بندهم باید نظر هیئت وزراء قاطع باشد. دیگر بنده نمیدانم قبول نکردن این پیشنهادات و مواد از روی چه منطق و فلسفه است. یعنی باید فرض کرد که تمام هیئت وزراء دزدند اگر فرض شود که این هیئت وزراء دزدند مجلس شورای ملی هم که این وزراء را آورده است پس دزد است. بعد دانست که بالاخره اینها همه نوکر این مجلس و نوکر این دولتند و معنی ندارد که یک مستخدم خارجی بگوید من یک هیئت دولتی را قبول ندارم. این حرف برخلاف منطق و حیثیات یک مملکتی است. بالاخره ما ایرانی هستیم و باید حفظ حیثیات و شؤن خودمان را بکنیم. اگر فرضاً یک وضعیات سوئی گاهی پیش آمده است این دلیل نمیشود که تمام افراد و اعضاء این مملکت همه خائن و دزدند. فرضاً هم که این طور باشد شما نباید این حرف را بزنید. و این حرف منطقی نیست. اما همانطور که بنده بخدمات دکتر میلسیو عقیده دارم عقیده هم دارم که یک معایبی هم داشته است. محسناتی که دکتر داشته راجع به تمرکز دادن عایدات

بوده و این خیلی خوب بوده و از این حیث خوب کار کرده. نظارت در خرجش هم خیلی خوب بوده شاید بهتر از این نمیشد. و خیلی خوب نظار و مراقب مخارج بوده اما در عین حال خودش هم يك مخارجی میکرد. يك ميليون و نیم فقط اعتبار دادند به اداره ارزاق و الان یازده كرور اضافه خرج كرده اند و اداره را مقروض كرده اند. این پول را دكتر بچه لحاظ داده است؟ و خود این برخلاف قانون است. خود دكتر آده خونی است و مضمین هستم كه دزدی نمیكند ولی در همین حال نباید اجازه بدیم كه خلاف قانون هم بشود. از جمله معایبی كه ميسيون امریکائی دارد این بوده است كه اینها خیال كرده اند اداره مالیة تجارتخانه است و باید عایدات بانی نحوكان و بهر وسیله كه هست زیاد شود. لهذا برای منای مالیة كه بتوانند عایدت مملكت را زیاد كنند مسابقه و جائزه معین كرده اند. خوب! زیاد كردن عایدات یعنی چه؟ یعنی پدر مردم را در بیاورند و اسباب زحمت شوند. بنده از آقایان سؤال میكیم کدام يك از شما از وضعیت اداره مالیة محل خودتان راضی هستید. اینها البته تقصیر دكتر نیست. شاید دیگران این كار را كرده اند و به منای مالیة اینطور دستور داده اند ولی در هر حال این كار را كرده اند یکی دیگر اینکه ميسيون امریکائی خیال میکنند کسی كه دزدی كرد سند دزدی خواهد داد یا این كه روی پیدایش نوشته است كه مثلاً فالانكس دزدی كرده است در صورتیکه همچو چیزی نیست. نتیجه این میشود كه هرامین مالیة كه يك كاری میکند معلوم نمیشود و هر كاری كه میخواهند در ولایات میکنند. از جمله صندوق اصفهان بود كه صد و شصت هزار تومان در آنجا از بین رفت. و معلوم نشد چه شد. به آقایان و كلاء ولایات مخصوصاً تذکر میدهم راجع برؤسای ارزاق و تحصیلدارهای مالیة كه هر يك از آنها در مدت تصدی خودشان متمول شده اند. بنده در این مدت چند فقره را به رئیس كل مالیة

تذکر داده و گفتم اقلأ خوب است مفتشین مخفی قرار بدهید كه اینها بروند و از مردم و محل سؤال و تحقیقات كنند تا معلوم شود چهكارهائی كرده اند. والا فرستادن منتشین رسمی فایده ندارد زیرا پس از رفتن بار رئیس ارزاق و بار رئیس مالیة شريك میشوند و يك رزرت مفصلی مشعر بر حسن عملیات آنها بمركر خواهد داد و فایده نخواهد داشت.

اینها سوء جریانی بود كه در ادارات مالیة پیدا شده بود كه بنده همه را به دكتر تذکر دادم و ایشان قبول نكردند ولی در عین حال بنده معتقدم كه این سوء اداره و جریان در اثر سوء اخلاق دكتر بود و همانطوریکه آقای تقی زاده فرمودند ایشان باین مملكت خدمت كردند و قصد خدمت داشتند با جمله حالا مسئله سر این نیست كه دكتر ميسپو مبرود و مالیة مملكت را می اندازند در بیابانها. دولت يك لایحه به مجلس آورده است مبتنی بر اینکه خود دكتر ميسپو شرائط دولت را قبول نكرده و با اصول شرائط پیشنهادی دولت موافقت نكرده و میخواهد برود و میخواهیم متخصص امریکائی مهتری بیاوریم. بنده نمی فهمم این چه عیبی دارد؟ و چه اشكالی دارد؟ مگر شما تصور میکنید در تمام امریکا متخصص منحصر بایشان بوده و دیگر متخصص نیست؟!؟

امريكا متخصصین مالیة و فینانس خیلی زیاد دارد چنانچه یك نفر متخصص امریکائی با ما رفت و آن نقشه اقتصادی معروف را كه موسوم است به نقشه داوس در انجا كشید و آلمان را از خطر اقتصادی نجات داد. ما هم یك نفر متخصص دیگر و مهتری از امریکا استخدام خواهیم كرد و همانطور كه آقای شیروانی فرمودند دو برابر و سه برابر هم باید بار حقوق داد و او را باید وادار كرد كه نقشه مالی برای این مملكت بكشد. دكتر ميسپو نقشه مالی برای این مملكت طرح نكرد فقط قسمت نظارت در خرجش خیلی خوب و قوی بوده و اینکه

ملاحظه میفرمائید خیلی اظهار تشكر از او میكیم فقط برای همین است كه خوب نظارت در خرج داشته و الا يك نقشه های جدید برای مملكت ما نكشید. وزارت مالیة الان نه كرور بودجه دارد. در صورتیکه چهارده پانزده كرور بیشتر عایدات وصول نمیکند دكتر ميسپو در این مدت نتوانست اقلأ بودجه وزارت مالیة را ساده تر و سبك تر از این تهیه كند. این بودجه فعلی وزارت مالیة قابل تحمل نیست. با وجود اینها دولت ایران بواسطه خدماتی كه دكتر كرده خواست از او قدر دانی و نگاهداری كند و همان شرائط سابق را به پیشنهاد كرد فقط در بعضی از آن شرائط كه برای خودش غیر قابل تحمل میدانست خواست تجدید نظر كنند و دكتر زیر بار نرفت و قبول نكرد. این مسئله مستلزم این نیست كه ما دست روی دست بگذاریم و عزا داری بكنیم و فكر كنیم حالا كه دكتر ميسپو قبول نكرده و میخواهد برود تمام ایران از بین خواهد رفت. و تاریخ ایران بكلی عوض خواهد شد و مقدرات آتیه ایران موكول بر این است كه دكتر ميسپو نرود و بماند. خیر. بنده قسم میخورم كه مقدرات مملكت مربوط بر رفتن یا رفتن دكتر نیست و اگر او برود به هیچ وجه مقدرات ما بهم نخواهد خورد مخصوصاً اینکه تصمیم داریم كه يك نفر آده متخصص بهتری كه عمل هم كرده باشد بیاوریم. و ممكن است این كه میآید خیلی بهتر از دكتر ميسپو برای ما فایده داشته باشد. فرمودند تاریخ ایران شوستر و ميسپو را فراموش نمیکنند. از كجا معلوم است تاریخ شخص دیگری را كه بجای دكتر خواهد آمد فراموش كند؟ ممكن است این کسی كه میآید خیلی بهتر از او باشد و برای ما بهتر كار كند مثل این است كه در امریکا كه صد میلیون نفوس دارد و متخصص مالی در امریکا بیش از همه جا است تخصص در امور مالیة فقط اختصاص دارد به دكتر ميسپو كه آنها آمده و عاشق چشم و ابروی ایران شده است و خواسته است از نقطه نظر تاریخ به ایران خدمت كند

آنوقت يك عده آمده اند میخواهند او را بیرون كنند در صورتیکه اینطور نیست این چه اصراری است كه بگوئیم حتماً دكتر ميسپو باشد؟ مخصوصاً آقای دكتر ميسپو يك خط هائی هم كرده كه مرا دچار اشكال كرده است از جمله شیلات است كه دولت میخواهد به يك ترتیبی این قضیه را حل كند برای اینکه يك قسمت از سیدستهای مهم ما مبتنی به مسئله شیلات است و دكتر ميسپو به این قسمت مخالفت كرد. مسئله دیگر بطوری كه به بنده اطلاع داده اند بنزین برای کامیون از اینجا به بندر بهلوی میراند مخصوصاً از بنزین نفت جنوب در صورتیکه بنزین در بندر بهلوی قطعاً برزانت تمام می شود همینطور گندمی كه از سوزان خریدند.

شیرازی - اینها تقصیر ماك كرمك بود

دشتی - علی ای حال ماك كرمك هم یکی از اشخاصی بود

و یکی از دسته كل هائی بود كه دكتر ميسپو بر ما زد.

مسئله دیگر كه آقای تقی زاده فرمودند و خیلی اشتباه است این است كه خیال میکنند اگر ما موفق نشدیم

كنترات دكتر ميسپو را تجدید كنیم بدولت امریکا برمی خورد. اگر تصور میکنند كه دولت امریکا فقط

منتظر این است كه ما كنترات دكتر ميسپو را تجدید

كنیم اینطور نیست مخصوصاً بنكه مجلس شورای ملی قانون

میگذرانند كه يك نفر متخصص دیگر از امریکا استخدام

كنند دولت این دوماه تمام بذل مساعی كرد برای اینکه

دكتر را متقاعد كند كه سر كار باشد ولی بالاخره شرائط

دولت را قبول نكرد. اینكه فرمودند دولت امریکا دولت

خون است و با ما مساعدت كرده است خدا كند از ما

مكدر نشود بنده تصور نمیكیم آنازونی كه يك دولت

عظیمی است سیاستش با ما متوقف بر این باشد كه دكتر

ميسپو در ایران بماند خود دكتر ميسپو نخواسته است

بادولت موافقت كند این دیگر حرف ندارد. اما قسمت

اخیر فرمایشات آقای تقی زاده بیشتر جنبه حاس و خطابی

داشت شرحی راجع به لافایت و كار مبالای فرمودند كه

در امریکا و ایتالی چه خدماتی کردند . بنده این فرمایشات را در این موضوع وارد نمیدانم و دکتر میلسیو را فقط یکنفر مستخدم ساده میدانم که در ایران استخدام شده و مطابق وظیفه اش رفتار کرده و خارج از وظیفه هم کاری نکرده است لافایت آزاد بود و در امریکا رفت .

و استقلال آن دولت را تأمین کرد .
جمعی از نمایندگان - تنفس .
در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل و چون عده کافی نشد سه ربع ساعت بعد از ظهر مجلس ختم شد .

www.iran-archive.com